



امام خمینی (ره) مُبدع اخلاق متعالی عرفانی

عبدالکریم شاحیدر

شوربشگاه علوم انسانی عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور دزفول

رتال جامع علوم انسانی

چکیده

در این نوشتار در پی فهم مجاهدت عرفانی حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) و تبیین اندیشه آن بزرگوار در ارائه اخلاق و چشاندن آن به اذواق هستیم. بواقع اخلاق متعالی عرفانی، کلاس واحدی است که آدمی با آمیزه‌ای بکر و بدیع، بکجا، اخلاق و عرفان را آموزش می‌بیند و با روشی که برخاسته از قرآن و عترت است، منسلک در سلک سالکان طریق حق می‌شود. در این راه، سالک با فضل و عنایات خاصه حضرت سبحان به عالیترین مراتب کمال صعود می‌کند و با ترفع روحی و معنوی ویژه‌ای به مقام شامخ کمترین نائل می‌شود. از ویژگیهای این اخلاق می‌توان مواردی مانند: ۱- کارآمدی ۲- تبیین پویای مفاهیم اخلاقی ۳- اخلاق خود حکم دوا را داشته باشد نه نسخه ۴- حضور پربرکت قرآن و عترت ۵- سهل و ممتنع بودن مطالب ۶- دمیدن روح اعتدال و هماهنگی با مجموع هستی در انسان را برشمرد.

اندیشه‌شناسی اندیشه‌های امام (رحمة الله عليه) یا به تعبیر بهتر خمینی‌شناسی، کاری بس عمیق و دشوار است. عمیق است از آن جهت که ایشان گاه مطالب علمی بسیار عمیق، انبیا و پر از غموض و رموزی را بیان می‌فرمایند که با نگاه معمولی و بی‌عین بصیرت، نمی‌توان از سطوح کلمات عبور کرد و به صف آرایسی معانی در پشت آن جملات دست یافت. دشوار است از آن نظر که هنوز شاید برای ما حجاب معاصر بودن وجود داشته باشد. لذا هر چند تلاش کنیم آن‌گونه که بایسته و شایسته است نمی‌توانیم صیاد اندیشه‌های بلند آن عقاب تیزپرواز عرصه معنا باشیم؛ چرا که به تعبیر اقبال لاهوری «ای بسا شاعر که بعد از مرگ زاد» یا به تعبیر امیرمؤمنان علی (علیه السلام) غداً ترفونی؛ یعنی فردا مرا خواهید شناخت؛^(۱) چرا؟ زیرا گاه عظمت شخصیتها عموماً و عمق اندیشه‌های آنان خصوصاً به دلیل حجاب معاصر بودن با ما در هاله‌ای از ابهام خواهد ماند. یکی از نکات بکر و بدیع که کمتر در مورد آن سخن رفته است، تلاش روشمندان‌ای است که حضرت امام خمینی (رحمة الله عليه) در خصوص ترکیب مزجی اخلاق و عرفان انجام داده‌اند که به نظر این حقیر باید آن را «اخلاق متعالی عرفانی» نامید. امام (ره) که جزء بزرگترین م‌حییان و م‌صلحان دینی قرن اخیر و بل قرون اخیر است در زمره بزرگترین اندیشه‌سازان قرن حاضر نیز به شمار می‌آید و از جمله اندیشه‌های پربرکت ایشان که مصداق عملی و بارز آن در حضرت علمی ایشان به گونه‌ای شایسته تجلی یافته بود بواقع همان اخلاق متعالی عرفانی و پیامبرانه ایشان بود. از این رو، اسوه عینی چنین اخلاقی که زبانزد خاص و عام بود و توانست عملاً قلوب و اندیشه‌ها را به خود جذب و همه آنها را فتح کند، اخلاق متعالی آن بزرگوار بود که نه تنها دارای روحی بزرگ بود بلکه بزرگواری روحی فوق‌العاده‌ای داشت^(۲) و این همه کاملاً در اندیشه‌های تابناک ایشان عموماً و در کلام ایشان خصوصاً، مشهود و ملموس بود. البته آن جناب چنانکه دأب ایشان بود در محافل عمومی از به‌کارگیری م‌صطلحات عرفانی و اخلاقی پرهیز می‌نمود و در عین زبان روان و ساده، گوهر کلمات و جملات حکیمانه، پیوسته از دریای وجودشان به بیرون می‌ریخت و هر کس به زعم خویش از

آن همه نکات پرمغز و آبدار توشه‌ای برمی‌گرفت.

ذهن نقاد، وقاد، نوجو و مبتکر حضرت امام (ره) شیوه‌ای نو در بیان اخلاق و سیر و سلوک عارفانه درانداخته و از آن معجون بسیار نغزی پدید آوردند که هر خوانندهٔ پاکنهادی را به گونه‌ای معجزه‌آسا به خود مجذوب می‌کند. از سوی دیگر، چنانکه می‌دانیم، ایشان در حکمت صدرایی غور بسیار کرده‌اند تا بدانجا که به قدری استغراق در ابعاد شخصیتی ملاصدرا (ره) و حکمت بدیعی پیدا کرده‌اند که می‌فرمایند: «ملاصدرا و ما ادریک ملاصدرا»^(۳) از این رو، ترسیم چنین اخلاقی را که به یک معنا برگرفته از حکمت متعالی است باید اخلاق متعالی نامید. اما دلیل دیگر برای اینکه ما آن را اخلاق متعالی عرفانی نامیده‌ایم این است که در اخلاق مطرح شده از سوی ایشان نوعی پویایی، تحرک و سیر و سلوک عارفانه مطرح است؛ به بیان بهتر، امام (ره) در کالبد اخلاق، روح حرکت جوهری دمیدند و بین اخلاق و عرفان پیوند میمون و مبارکی - که خود در مجموع یک ترکیب تازه و پرجاذبه‌ای است - ایجاد کرده‌اند. امام (ره) در انگاره‌های اخلاقی، روح عرفانی دمید و جدایی‌ناپذیری قرآن، عرفان و برهان را در اخلاق نمودار ساخت و با مواد و مصالح حکمت متعالی ملاصدرا، ساختمان اعجاب‌انگیز اخلاق متعالی عرفانی را که نمودی است از تطابق و هماهنگی خَلق با خُلُق و هستی ادراکی توحیدی و سریان و جریان توازن و اعتدال در پیکره هستی به پا داشت. آری اخلاق متعالی عرفانی حضرت امام خمینی (ره) حرکت حیات‌بخشی در جهت تصعید حیات تکاملی انسانهاست و این یافتی است از تالی تلو معصوم بودن و پا جای آنها نهادن. این اخلاق صرفاً پدیده‌ای درون ذهنی نبود بلکه مصادیق بیرون ذهنی آن چیزی بود که گاه‌گاه او به اطرافیان می‌نمایاند.

امام (ره) بر قامت انگاره‌های اخلاقی، لباس عرفانی پوشاندند و از کمون و بطون مفاهیم و اندیشه‌های اخلاقی هزاران نکتهٔ بکر و بدیع و بلند عرفانی بیرون کشید. او از ژرفای عرفان، اخلاق را می‌جست و اخلاق را بر قلهٔ رفیع عرفان نشانید و همانجا بود که پرچم پرافتخار اخلاق متعالی عرفانی را به اهتزاز درآورد که نمودار راستینش دو کتاب

پربرکت و ارزشمند «اربعین حدیث» و «شرح حدیث جنود عقل و جهل» است. گویا دیگر بار حکیم ملاصدر (ره) از کهک قم به سوی بارگاه ملکوتی حضرت فاطمة المعصومة (سلام الله علیها) رهسپار شد و برای آن امام همام (ره) دعا کرد که خداوند از وجود نورانی و اندیشه ملکوتی خمینی کبیر اخلاق متعالی عرفانی را - که یکی از ثمرات حیات بخش حکمت صدرایی (ره) است - متجلی فرما و اینک ما وامدار شراب ظهور اخلاق عرفانی آن یگانه دوران و فرید عصر معاصریم.

رابطه و تعامل اخلاق و عرفان

بی تردید بین اخلاق و عرفان، تعامل معناداری وجود دارد. آن کسی که می خواهد تخلق به اخلاق الهی و تأدب به آداب الهی پیدا کند، ابتدا باید مفاهیم اخلاقی و تعریف آنها را بشناسد. در این خصوص منطق تعریف، آدمی را یاری می دهد تا واژه های اخلاقی را عموماً و مفاهیم نزدیک به هم را خصوصاً با یکدیگر خلط نکند؛ مانند غبطه و حسد که اولی از ویژگیهای مؤمن است اما دومی از مهلکات.

در آغاز، حضرات معصومین (ع) در احادیث و روایات به گونه ای شایسته، مفاهیم اخلاقی را برای مسلمانان توصیف می کردند. آنگاه عالمان اخلاق با استفاده از آن بیانات نورانی به تبیین و توصیف آنها همت گماشتند؛ چنانکه در کتابهای اخلاقی واژه های صبر، توکل، توبه، تقوی، شکر، تواضع و... که جزو فضایل است کاملاً توصیف و مراتب و درجات آنها بیان شده است.

از سوی دیگر، مسلمانان به داشتن چنین کمالات اخلاقی توصیه می شدند. بنابر این از نظر شناسایی این مفاهیم، عرفان از اخلاق استفاده های بسیار کرده و وامدار اوست. عرفان نیز به اخلاق خدمت کرده و ضمن استفاده بهینه از مفاهیم اخذ شده از اخلاق، کارهای جدیدی در مورد آنها انجام داده است اولاً در خود این واژه ها تعمق بیشتری نمود و قائل به بطون و مدارج و معارجی برای آنها شد مانند واژه صبر که حضرت امام خمینی (ره) مراتب و درجات صبر اهل معرفت را: صبر فی الله، صبر مع الله، صبر عن الله

و صبر بالله می‌دانند. (۴)

در واقع آن بزرگوار ضمن استفاده از تعاریف عالمان اخلاق، آیات و روایات با بینشی عرفانی به موشکافی در مسأله صبر می‌پردازند و برای آن درجاتی بیان می‌دارند که هر انسانی با توجه به سعه و جودی مراتبی از آن را می‌پیماید.

ثانیاً عرفان، ضمن اخذ مفاهیم اخلاقی در مجموع قائل به مراتب و منازل شد و مسأله سیر و سلوک را مطرح کرد. مرحوم شهید مطهری (ره) در این خصوص می‌فرماید: «در عرفان سخن از نقطه آغاز است و از مقصدی و از منازل و مراحل که به ترتیب سالک باید طی کند تا به سر منزل نهایی برسد. از نظر عارف واقعاً بدون هیچ شائبه مجاز، برای انسان «صراط» وجود دارد و آن صراط را باید پیماید و مرحله به مرحله و منزل به منزل طی نماید و رسیدن به منزل بعدی بدون گذر کردن از منزل قبلی ناممکن است. لهذا از نظر عارف، روح بشر مانند یک گیاه و یا یک کودک است و کمالش در نمو و رشدی است که طبق نظام مخصوص باید صورت گیرد. ولی در اخلاق صرفاً سخن از یک سلسله فضائل از قبیل راستی، درستی، عدالت، عفت، احسان، انصاف، ایثار و غیره که روح باید به آنها مزین و متجلی گردد. از نظر اخلاق، روح انسان مانند خانه‌ای است که باید با یک سلسله زیورها و زینتها و نقاشیها مزین گردد بدون اینکه ترتیبی در کار باشد که از کجا آغاز شود و به کجا انتها یابد؟ مثلاً از سقف شروع یا از دیوارها و از کدام دیوار؟ از بالای دیوار یا از پایین؟»

در عرفان برعکس، عناصر اخلاقی مطرح می‌شود اما به اصطلاح به صورت دیالکتیکی؛ یعنی متحرک و پویا. (۵)

ثالثاً عرفان به غنی‌سازی و پرجاذبه کردن مفاهیم اخلاقی پرداخت. زیرا کسانی که آرزوی وصول به قله متین انسانیت را دارند آنها نیز به عظمت تعالیم اسلامی و مفاهیم اخلاقی مطرح شده از سوی قرآن و عترت پی ببرند و گمان نکنند که مثلاً زهد اسلامی تنها به معنای اعراض از متاعهای فانی دنیوی برای وصول به نعمات بهشتی است و به عبارت دیگر گمان نکنند معنویت اسلام منحصر است به زهد خشک برخی اعمال

ظاهری صرف. بلکه علاوه بر این ظواهر - که باید هم باشد - بواطنی نیز وجود دارد که عرفان، شناخت آنها را به قدر میسور امکانپذیر می‌کند.

کوتاه سخن اینکه اخلاق با بیانی رسا، شیوا و قابل فهم برای همگان به تعریف و توصیف مفاهیم اخلاقی صبر، زهد، توکل، شکر، عصمت و... می‌پردازد و نیز ویژگیها و آثار تحقق این معانی را در صحنه زندگی بروشنی و بدون ابهام بیان می‌کند به گونه‌ای که ما آنها را می‌شناسیم. اما عرفان این مفاهیم را - که جزو امور وجودی و همانند وجود - به تعبیر ملا صدرا(ره) - ذومراتب و دارای شدت و ضعفند و هر کس به مرتبه‌ای از آنها نائل خواهد شد و به همان اندازه وسعت وجودی پیدا خواهد کرد - ضمن استفاده و استفاضه از توصیفات و توصیه‌های اخلاق به موشکافی و مذاقه بسیار عمیق و دقیقی می‌پردازد و سعی بلیغ می‌کند تا سرزمینهای ناشناخته حیات معنوی و جغرافیای باطنی بواطن اخلاق را آشکار، و آن را به تشنگان وادی طلب عرضه کند.

از این رو، کسانی که به دنبال تحصیل اخلاق هستند و می‌خواهند انسانی متعالی شوند با عبور از «اخلاق متعالی عرفانی» بدان مقام متعالی و علو روحی و معنوی نائل خواهند گشت. زیرا اخلاق متعالی عرفانی ثمره تعامل، ترابط و داد و ستد و بل پیوند و ترکیب بکر و بدیع و میمون و مبارک اخلاق و عرفان است.

ویژگیهای اخلاق متعالی عرفانی

اخلاق متعالی عرفانی حضرت امام خمینی(ره)، نه تنها یافت درونی صرف نبود بلکه ایشان اولاً آن را از نظر علمی مدون کرد. ثانیاً خود مصداق برجسته آن بود و عملاً آن را به نمایش گذاشت. ثالثاً شاگردانی با این روش تربیت کرد و همه آنان را در درس اخلاق خویش نه تنها مسحور کلام معجزه آسا و وجود ملکوتیش می‌کرد بلکه آنان را چنانکه خود گفته‌اند بشدت تحت تأثیر قرار می‌داد به گونه‌ای که بیتابانه درباره او سخن می‌گفتند.^(۶) اینک برخی از ویژگیهای اخلاق متعالی عرفانی ایشان را به شرح ذیل بیان می‌کنیم:

۱- کارآمدی: اخلاق متعالی عرفانی بدان جهت کارآمد است که اولاً اگر عرفان در پاره‌ای موارد، بسیار وزین و بعضاً سنگین و مشکل است با تعاریف و توضیحات مفاهیم اخلاقی به کمک اخلاق بیشتر ملموس، محسوس و سهل‌الهضم می‌شود. ثانیاً برای کسانی که می‌خواهند به مراتب بلند عرفانی نائل شوند راه را باز می‌کند و به گونه شایسته به اشراق دل تشنگان وادی طلب از آب زلال معرفت خویش می‌پردازد و آنچه را آرزوی اولیای خداست برای آنان قابل وصول می‌کند. ثانیاً با دقت بسیار عالی و جالبی به تبیین مفاهیم اخلاقی می‌پردازد؛ چنانکه حضرت امام(ره) در کتاب ارزشمند چهل حدیث باروشی بسیار جالب ریا، شرک و نفاق را روشن می‌سازند به گونه‌ای که آدمی را مات و مبهوت می‌کند و در تبیین موضوع صبر، شکر و غیره اعجاب انسان را برمی‌انگیزد.

بواقع در پرتو اخلاق متعالی عرفانی - که در عین حال که اخلاق است، عرفان است و در عین اینکه عرفان است، اخلاق است - آدمی می‌تواند حیات معنوی خویش را سامان دهد و به معنای دقیق کلمه، حیات طیبه را متحقق سازد.

۲- در نگاه ایشان اخلاق باید خود حکم دوا را داشته باشد نه نسخه و این یک تفاوت مهم میان ایشان و دیگران است؛ چنانکه می‌فرمایند: «ریشه‌های اخلاق را فهماندن و راه علاج نشان دادن، یک نفر را به مقصد نزدیک نکند و یک قلب ظلمانی را نور ندهد و یک خلق فاسد را اصلاح ننماید. کتاب اخلاق آن است که به مطالعه آن، نفس قاسی نرم، و غیرمهدّب، مهدّب، و ظلمانی نورانی شود و آن به آن است که عالم در ضمن راهنمایی، راهبر و در ضمن ارائه علاج، معالج باشد و کتاب، خود، دواي درد باشد نه نسخه دوانما، طیب روحانی باید کلامش حکم دوا داشته باشد نه حکم نسخه و این کتب مذکور نسخه هستند نه دوا، بلکه اگر جرأت بود می‌گفتم: «نسخه بودن بعضی از آنها نیز مشکوک است...» نویسنده راه نوشتن کتاب اخلاق را بازکردم که اگر عالمی نویسنده و قادر بر تقریر و تحریر پیدا شد، این طرز بنویسد.»^(۷)

۳- اخلاقی مطرح شده از سوی ایشان پویا و متحرک است. لذا در مباحث اخلاقی

ایشان واژه‌های «سالک»، «سیر و سلوک»، «منازل»، «مقامات» و «طریق» بسیار مطرح می‌شود؛ چنانکه می‌فرمایند: «در ابتدای امر، ورود در هر یک از مقامات عارفین و قطع هر مرحله از مراحل سلوک مشکل به نظر آید.

شیطان و نفس نیز به این معنی کمک‌کننده انسان را نگذارد وارد سلوک شود، ولی پس از ورود، کم‌کم راه سهل، و طریق آسان شود...»^(۸)

۴- مفاهیم اخلاقی مطرح شده، عمق عرفانی ویژه‌ای پیدا می‌کنند به گونه‌ای که خواننده منصف را مسحور کلام دلنشین خود، و او را به سمت کمالات صوری و باطنی هدایت می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «پس اگر طالب کمالات صوری و معنویه هستی و سالک طریق آخرت و مسافر و مهاجر سیر الی الله هستی قلب را عادت بده به تذکر محبوب و دل را عجین کن با یاد حق تبارک و تعالی»^(۹) آن بزرگوار در جای دیگری در عین توصیه اخلاقی بسیار پرمحتوا اما توأم با عمق عرفانی بسیار قوی برای حصول اخلاق متعالی عرفانی می‌فرمایند: «علاج قطعی اکثر مفاصد به علاج حب دنیا و حب نفس است؛ زیرا که با علاج آن، نفس دارای سکونت و طمأنینه شود و قلب آرامش پیدا کند و دارای قوه و ملکه اطمینان شود و به امور دنیا سهل‌انگاری کند و به هیچ مآکل و مشرب اهمیت ندهد و اگر کسی با او در امری از امور دنیا مزاحمت کند، او با خونسردی تلقی کند و به سهل‌انگاری برگزار نماید و چون محبوب او طعمه اهل دنیا نیست، دنبال آن به جوش و خروش برنخیزد و قطع ریشه محبت دنیا گرچه امر مشکلی است - خصوصاً در اول امر و ابتدای سلوک - ولی هر امر مشکلی با اقدام و تصمیم عزم آسان شود. قوه اراده و عزم به هر امر صعب و مشکلی حکومت دارد، و هر راه طولانی سنگلاخی را نزدیک و سهل کند»^(۱۰)

۵- نوشته‌های حضرت امام خمینی (ره) نه مانند اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین توسی است و نه مانند احیاء علوم الدین غزالی است و نه مانند معراج السعادة نراقی است و نه مانند منازل السائرین و صد میدان خواجه عبدالله انصاری است،^(۱۱) بلکه آمیزه‌ای نادر است که نه تنها شرع و عقل و قرآن و عترت و احادیث پربرکت ایشان حضور

جدی، عمیق، گسترده، پردامنه‌ای دارند بلکه قرآن، عرفان و برهان در آن جدایی ناپذیرند و بسیاری از مطالب آن گاه سهل و ممتنع بیان شده است؛ چنانکه می‌فرمایند: «باید دانست که اگر انسان از خود غفلت کند و در صدد اصلاح نفس و تزکیه آن بر نیاید و نفس را سر خود بار آورد، هر روز، بلکه هر ساعت بر حجابهای آن افزوده شود و از پس هر حجابی حجابی، بلکه حُجَبی برای او پیدا شود تا آنجا که نور فطرت به کلی خاموش و منطقی شود.^(۱۲) بنا بر این با مذاقه در این کلام نورانی همه آن عناصر بروشنی دریافت می‌شوند و نشان می‌دهند که چگونه ایشان بر خوان پربرکت قرآن و عترت نشسته‌اند و آن را بسیار غنیمت می‌شمرند.

۶- در اخلاق متعالی عرفانی حضرت امام (ره) نظر و عمل بر هم انطباق می‌یابند و به انسان جامعیت می‌دهند و او را از یک‌بعدی بودن نجات می‌دهد و پیوسته روح اعتدال و هماهنگی با مجموع هستی را در انسان می‌دمد. این یافتی است بسیار ارجمند و باشکوه؛ زیرا ایشان به دنبال القای «اخلاق جامع»، «تربیت جامع» و در نهایت «انسان جامع» بود، لذا همیشه به ظاهر و باطن، صورت و سیرت و هماهنگی خُلق با خُلق و... توجه بسیار داشت. بواقع شاگردانی مانند شهید والامقام استاد مطهری (ره) محصول چنین تربیتی بود؛ زیرا اگر خوب ملاحظه فرمایید، خواهید دید که این مفاهیم در کتابهای ایشان مانند تعلیم و تربیت اسلامی، سیری در نهج البلاغه، جاذبه و دافعه و... موج می‌زند. حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «اگر این ظاهر با باطن موافق شد و این عَلم با سُر مطابق افتاد و در این دعوی صادق و مُصدّق بود، هِنِثاً و لأرباب النعیم نعیمهم.»^(۱۳) همچنین در جای دیگر ضمن اشاره به فنای عمل در نیت و ملک در ملکوت و مظهر در ظاهر می‌فرمایند: «عمل، همان نیت است و غیرنیت، چیزی در کار نیست و تمام اعمال در نیت، فانی هستند و از خود استقلالی ندارند... هر کس بر شاکله خود عمل می‌نماید و اعمال، تابع شاکله نفس است و شاکله نفس گرچه ماهیت باطنی روح و ملکات مخمره در آن است، لکن نیت شاکله ظاهر به نفس‌اند. توان گفت که ملکات، شاکله اولیه نفس، و نیت شاکله ثانویه آن هستند و اعمال تابع آنهاست. نیز در جای دیگر در توجه به ظاهر

و باطن می‌فرمایند: «بدان که شکر نعمتهای ظاهره و باطنه حق تعالی یکی از وظایف لازمه عبودیت و بندگی است که هر کس به قدر مقدور و میسر باید قیام به آن نماید گرچه از عهده شکر حق تعالی احدی از مخلوقات بر نمی‌آید.»^(۱۴)

۷- ایشان در اخلاق متعالی عرفاتی با بیانی جذاب، شیرین و پُررغز توصیه‌های روشمندانانه اخلاقی - عرفانی بسیاری بیان می‌فرمایند که حقیقتاً خود دوا و شفای قلوب است. از این رو در نوشته‌های اخلاقی - عرفانی ایشان پیوسته واژه‌های «عزیزا»، «ای عزیز»، و «ای برادر، را مشاهده می‌کنیم؛ چنانکه می‌فرمایند: «هان ای عزیز! از خواب گران برخیز! و از این غرور شیطانی بپرهیز که این غرور انسان را به هلاکت ابد رساند، و از قافله سالکان بازدارد، و از کسب معارف الهیه - که قره العین اهل الله است - محروم کند.»^(۱۵) همچنین در جای دیگر با زبانی سلیس و روان می‌فرمایند: «پس ای عزیز برای یک خیال باطل، یک محبوبیت جزئی بندگان ضعیف، یک توجه قلبی مردم بیچاره، خود را مورد سَخَط الهی قرار مده.»^(۱۶) گاهی بدون اینکه آن واژه‌ها را در آغاز بیاورد در لابه‌لای کلام خود موعظه‌های تکان‌دهنده‌ای می‌فرمایند که حقیقتاً صیقل نفوس و جلالی قلوب است و آدمی را از خواب غفلت بیدار می‌فرمایند. یکی از آن عبارات و جملات پرنکته این است: «پس اینقدر برای این چند روزه دنیا و شهوات محدوده موقته از خلق بی‌همه چیز تملق مگو و از خدای خود غافل مشو و حریت و آزادی خود را حفظ کن و قید عبودیت و اسارت را از گردن خود بردار و در جمیع احوال آزاد شو. چنانچه در حدیث شریف فرمایند: «ان الحر حر علی جمیع احواله.»^(۱۷) از آنجاکه آن بزرگوار معنویات را اساس اسلام می‌دانستند و می‌فرمودند: «سعی کنید معنویات را زیاد کنید و از تشریفات تا آنجاکه مقدور است بکاهید»^(۱۸) و نیز تأکید می‌کردند: «خود را به ساده‌زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید»^(۱۹) و توجه می‌دادند که: «توجه و تعلق نفس به مادیات، انسان را از کاروان انسانها بازمی‌دارد و بیرون رفتن از تعلقات مادی و توجه به خدای تبارک و تعالی، انسان را به مقام انسانیت می‌رساند.»^(۲۰)

بنابر این با این بینش بلند و عالی باید چنین نفوذی در دلها داشته باشند و کلامشان تا عمق جان انسان نفوذ بکند.

۸- ریزش ابعاد فلسفی حضرت امام (ره) در کلمات و جملات اخلاقی - عرفانی ایشان کاملاً نمایان است یعنی امام که خود یک حقیقت پژوه بزرگ است و در کتبش حقیقت پژوهی موج می زند، راه وصول به حقیقت را عبور از اخلاق متعالی عرفانی می دانستند و این نکته ای است که از لابه لای مطالب و بیانات ایشان می توان استنباط کرد. آن بزرگوار در این خصوص می فرمایند: «قلب سلیم عبارت از آن قلبی است که در آن غیر خدا نباشد و از شک و شرک خالص باشد و اعراض از دنیا - که مورد سفارش بلیغ اولیای خداست - برای آن است که قلوب از دنیا فارغ شوند و مهیای آخرت - که به حقیقت مقام لقاء الله است - شوند؛ بلکه تمام شرایع و تمام احکام و اخلاق و معاملات و بدایات و نهایت و ارتباطات برای تهیه حصول لقاء الله است و آن مقصد اصلی از همه چیز است؛ و تسلیم به حقیقت کامله، کفیل همه این معانی تواند بود.»^(۲۱) چنین عباراتی نمودار حقیقت پژوهی و توجه جدی به آن در آینه اخلاق متعالی ایشان است. در پایان اگر ما امروز در پرتو تشع اندیشه های پرتألؤ و پرفروغ کاملی، پرمایه ای و آفتابی در میان سایه ای هستیم بدان جهت است که او وامدار اخلاق متعالی عرفانی بلند و حیرت انگیزش بود؛ چرا که دل او در اثر اخلاص بی شائبه اش - که به یک تعبیر کلید شخصیت آن بزرگوار نیز محسوب می شد - چشمه های حکمت بود و دارای چشم سومی غیر از این دو چشم ظاهر بود. از این رو، آن چنان از اخلاق متعالی بهره ور شد که به واقع مشمول این بیان نورانی و بلند امیرمؤمنان و امام عارفان علی (ع) است که در وصف اولیای کمیاب خداوند خطاب به کمیل (ره) فرمودند: «هجم بهم العلم علی حقیقة البصيرة و باشر و اروح اليقين...»^(۲۲) آری به حق چنین چیزی نصیب کسی است که بر خوان پر خیر و برکت قرآن و عترت نشسته است. و از آن ارزاق معنوی استفاضه می کند و آن حکیم فرزانه، خمینی کبیر (ره) نیز مصداق بارز چنین چیزی بود.

امید اینکه همه ما از آب طهور اخلاق متعالی عرفانی بهره ور شویم تا وجودمان مصفا و جانمان آسمانی و بهشت اخلاق در ما متحقق شود؛ ان شاء الله.

یادداشتها

- ۱- نگاه کنید به: استاد مطهری، مرتضی، تجلیلی از واقعه عاشورا، ماهنامه پاسدار اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی قم، شماره ۲۲، مهرماه، ۱۳۶۲، ص ۴۴
- ۲- درخصوص تفاوت بزرگی روح با بزرگواری روحی نگاه کنید به: شهید مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، مقاله بزرگی و بزرگواری روحی، انتشارات صدرا، چاپ اول ۱۳۶۱، هش، ص ۱۶۴ به بعد
- ۳- نگاه کنید به: مقدمه آقای سیداحمد فهری بر ترجمه کتاب شرح دعای سحر از حضرت امام خمینی (ره)، چاپ دفتر نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹، ص یاء
- ۴- چهل حدیث، ص ۲۸۸ و ۲۲۹
- ۵- شهید مطهری، مرتضی، دوره کامل آشنایی با علوم اسلامی (در سه جلد)، ج دوم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، قم، ص ۱۸۸-۱۸۹
- ۶- نگاه کنید به: شهید مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، چاپ ششم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۵، ص ۸۵
- ۷- شرح حدیث، جنود عقل و جهل، ص ۱۳ و ۱۴
- ۸- همان، ص ۲۷۴
- ۹- چهل حدیث، ص ۲۴۹-۲۵۰
- ۱۰- شرح حدیث، جنود عقل و جهل، ص ۲۵۴
- ۱۱- این نظر حقیر است لیکن مشتاقان را به مطالعه مقدمه کتاب شریف شرح حدیث جنود و عقل توصیه می‌کنم.
- ۱۲- شرح حدیث، جنود عقل و جهل، ص ۸۳
- ۱۳- چهل حدیث، ص ۱۳۸
- ۱۴- چهل حدیث، ص ۲۹۵
- ۱۵- شرح حدیث، جنود عقل و جهل، ص ۱۳۷
- ۱۶- چهل حدیث، ص ۳۱
- ۱۷- چهل حدیث، ص ۲۱۸
- ۱۸- کلمات قصار، پندها و حکمت‌های امام خمینی (ره)، ص ۷۳
- ۱۹- همان
- ۲۰- همان، ص ۷۸
- ۲۱- شرح حدیث، جنود عقل و جهل، ص ۴۰۶
- ۲۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت، ۱۳۹، ص ۱۱۵۸

منابع

- ۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام
- ۲- حضرت امام خمینی (ره)، چهل حدیث، چاپ اول، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تابستان ۱۳۶۸
- ۳- حضرت امام خمینی (ره)، شرح حدیث، «جنود عقل و جهل»، چاپ چهارم، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، زمستان ۱۳۷۷
- ۴- حضرت امام خمینی (ره)، شرح دعای سحر، ترجمه سیداحمد فهری، دفتر نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹
- ۵- حضرت امام خمینی (ره)، کلمات قصار، «پندها و حکمتها»، چاپ اول، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بهار ۱۳۷۲
- ۶- استاد شهید مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، چاپ اول، انتشارات صدرا، ۱۳۶۱
- ۷- استاد شهید مرتضی مطهری، دوره کامل آشنایی با علوم اسلامی (در سه جلد)، جلد دوم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، قم
- ۸- ماهنامه پاسدار اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی قم، شماره ۲۲، مهرماه، ۱۳۶۲
- ۹- استاد شهید مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، چاپ ششم، انتشارات صدرا، قم، اردیبهشت ۱۳۶۵



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی